

یادداشت

طرح مشارکت تولید خودرو در زمینه رکود بررسی شد

خودروسازان در جست‌وجوی نقدینگی

ایلیابیرولی

در وضعیت تعلیق‌آمیز «نه جنگ، نه صلح» که پس از تنش‌های ۴۰روزه بر فضای اقتصاد ایران سایه افکنده است، بنگاه‌های تولیدی با بزرگ‌ترین چالش بقای خود در دهه‌های اخیر مواجه‌اند. در این میان صنعت خودرو به‌عنوان پیشران اقتصادی کشور، بیش از هر بخش دیگری در میان دو لبه قیچی «رکود تورمی» و «نااطمینانی از آینده» گرفتار شده است. حالا بنگاه‌های اقتصادی که از حمایت دولت مایوس شده‌اند، خود نه برای رشد تولید، بلکه برای بقا دست به ابتکارانی زده‌اند. محض نمونه، همین طرح جدید «مشارکت در تولید» ایران‌خودرو است، این طرح نه یک ابداع ساده برای فروش، بلکه واکنشی فعالی به فروپاشی نظام قیمت‌گذاری در اقتصادی است که دیگر «قیمت قطعی» در آن معنای علمی ندارد. اما این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که آیا این طرح، گامی برای تأمین مالی است یا انتقال همه ریسک‌های تورم سیستماتیک به جیب خریدار است؟

شامخ روایت رکودی که پایان نمی‌یابد

برای درک چرایی اتخاذ چنین سیاست‌هایی از طرف خودروسازان، باید به داده‌های سخت‌ اقتصادی رجوع کرد. گزارش «شاخص مدیران خرید» (شامخ) در به‌ماه ۱۴۰۴ که از طرف مرکز پژوهش‌های اتاق ایران منتشر شده، سندی است بر این مدعا که تولید در ایران پیش از جنگ ۴۰روزه، نه در حالت رونق، بلکه در وضعیت تنفّس مصنوعی به سر می‌برد. طبق این گزارش، شامخ کل اقتصاد ۴۶.۴ که پیش از جنگ تهیه شده و درباره تداوم روند این وضعیت هشدار داده بود، زیر خط ۵۰ قرار داد که به معنای تداوم رکود مطلق است. وقتی شاخص مقدار تولید (۲۷.۵) و شاخص فشارهای جدید مشتریان (۴۴.۶) هر دو در محدوده انقباضی قرار دارند، یعنی چرخ تولید نه به دلیل نبود تقاضا، که به دلیل اختلال در زنجیره تأمین و نااطمینانی از قیمت نهاده‌ها، لنگ می‌زند. تداوم این رکود برای بیست‌وسومین ماه متوالی، نشان می‌دهد که اقتصاد ایران درگیر یک «تله تورم-رکود» است. حالا در شرایط پسا جنگ ۴۰روزه، نتهتا هزینه‌های لجستیک و تأمین مواد اولیه به دلیل نوسانات ارزی بی‌سابقه تغییر کرده، بلکه زنجیره تأمین نیز به دلیل ناکارآمدی تخصصی ارز، دچار کم‌تسبیت شده است. در چنین فضایی، تولیدکننده چگونه می‌تواند برای محصولی که شش ماه بعد باید تحویل دهد، «قیمت قطعی» تعیین کند؟

بن‌بست «قیمت قطعی» و قلم‌خودروساز

منتقدان طرح مشارکت، همواره به «ابهام در قیمت نهایی» می‌تازند، اما بیابید از زاویه تحلیل ریسک به ماجرا بنگریم، در اقتصادی که تورم تولیدکننده (PPI) در سال‌های اخیر چشم‌های خیره‌کننده ۳۰ تا ۵۰درصدی داشته، فروش با قیمت قطعی یعنی خودروساز باید ریسک افزایش قیمت فولاد، مس، آلومینیوم و پلیمز را از همین امروز در قیمت محصول لحاظ کند. اگر خودروساز ریسک تورم آینده را در قیمت امروز لحاظ کند، قیمت نهایی به قدری نجومی می‌شود که خریدار اساسا از بازار خارج می‌شود. اگر لحاظ نکند، در زمان تحویل با «زبان انبیاشته» روبه‌رو شده و عملا ورشکسته می‌شود؛ بنابراین، مدل «قیمت روز تحویل» که در این طرح نیز تأکید شده، نه یک انتخاب خودخواهانه، بلکه تنها مکانیسم باقی‌مانده برای «بقا در تورم» است. این الگو دقیقا مشابه استانداردهای جهانی در پروژه‌های بزرگ صنعتی و پیمانکاری است که در آن «بندهای تعدیل قیمت» به‌عنوان هسته اصلی قرارداد شناخته می‌شوند.

نقدینگی: خون جاری دررگ‌های صنعت

یکی از پرسش‌های اساسی این استست که آیا خودروساز با پول مردم تولید می‌کند؟ پاسخ کوتاه «بله» است، اما نه آن‌طور که منتقدان احساسی رسانه‌ای می‌گویند. واقعیت تلخ نظام بانکی ایران این است که دسترسی به تسهیلات بانکی برای صنعت خودرو به بن‌بست خورده است. نرخ‌های بهره کم‌رشدن، بوروکراسی طاقت‌فرسای تأمین وثیقه و کمبود نقدینگی در بانک‌ها باعث شده صنعت خودرو ناچار شود «تأمین مالی از محل پیش‌فروش» را جایگزین تسهیلات بانکی کند. این نقدینگی که از مردم جمع‌آوری می‌شود، مستقیم به زنجیره تأمین تزریق می‌شود تا از افت تیراژ تولید جلوگیری شود. تجربه نشان داده است هرگاه تیراژ تولید در خودروسازی افت کرده، قیمت‌ها در بازار آزاد نه ۱۰ درصد، بلکه تا صددرصد جهش داشته‌اند. در نتیجه، این مشارکت مالی درواقع سدی است در برابر انفجار قیمت در بازار آزاد. خریدار هوشمند ایرانی، با درک این معادله، طرح مشارکت را به‌عنوان یک «بیمه خرید» انتخاب می‌کند.

سود مشارکت: مسکن کاهش قدرت خرید

نادیده‌گرفتن سود مشارکت، خطای تحلیلی بزرگی است. در طرح فعلی، سود ۱۷ تا ۲۰.۵ درصدی، ابزاری است که فاصله بین ارزش پول امروز و زمان تحویل را پر می‌کند. اگرچه در تورم‌های بسیار بالا، این سود به‌تنهایی جبران‌کننده نیست، اما در کنار مزیت اصلی یعنی «دسترسی به قیمت کارخانه»، معادله را به نفع خریدار تغییر می‌دهد. فاصله قیمت کارخانه تا بازار آزاد، درواقع یک «بارانه غیرمستقیم» است که به خریدار تعلق می‌گیرد. وقتی فردی در طرح مشارکت ثبت‌نام می‌کند، عملا بر سر «اختلاف قیمت کارخانه و بازار» شرط‌بندی کرده است. این شرط‌بندی، با توجه به تورم ساختاری ایران، تا به امروز در اکثر موارد برنده داشته است.

مثلت ریسک: جایی که باید مراقب بود

با تمام این تفاسیر، نباید از چالش‌هایی مثل افزایش قیمت کارخانه (ناشسی از تصمیمات خلق‌الساعه دولتی یا جهش نرخ ارز)، ریسک تأخیر (اگرچه جریمه تأخیر وجود دارد، اما در تورم مزمن، ارزش زمانی پول جریمه‌شده کمتر از ارزش واقعی خودرو است) و سیاست‌گذاری سلیقه‌ای و بدون راهبردی (در شرایط «نه جنگ، نه صلح»، هر تصمیم سیاسی مانند محدودیت‌های صادراتی/وارداتی می‌تواند بازار نهاده‌ها را مختل کند) چشم‌پوشی کرد.

اصلاح ساختار یابازی با اعداد؟

آنچه در طرح مشارکت ایران‌خودرو می‌بینیم، نه یک «پدیده جدید»، بلکه «زتاب اقتصاد ایران» است. تا زمانی که تورم ساختاری مهاز نشود و اصلاحات کلان اقتصادی در جهت ثبات نرخ ارز و تسهیل روابط بانکی بین‌المللی صورت نگیرد، هیچ طرح فروشی نمی‌تواند معجزه کند. گزارش شامخ به‌درستی هشدار می‌دهد که بدون «تحریک تقاضا» و «تقویت اعتماد فعالان اقتصادی»، تولید در سراسرییی قرار دارد. طرح مشارکت، تنها یک «تسکین‌دهنده» برای دردی بزرگ‌تر است؛ دردی که ریشه‌اش در قیمت‌گذاری دستوری و ناترازی‌های بانکی نهفته است. در اقتصاد پسا‌جنگ، هیچ‌گونه ناهار مجاني وجود ندارد. طرح مشارکت برای کسی که دیدگاه بلندمدت دارد و به دنبال دسترسی مستقیم به تولیدکننده است، انتخابی منطقی محسوب می‌شود، اما برای کسی که نقدینگی فوری نیاز دارد، شاید بازارهای دیگری امنیت بیشتری داشته باشند. آنچه صنعت خودرو به آن نیاز دارد، بیش از آنکه طرح‌های فروش نوآورانه باشد، اصلاح ساختاری سیاست‌های پولی و ارزی است که متأسفانه فراتر از توان یک خودروساز است.

«شرق» از جزئیات تشکیل ساختار تازه در حکمرانی فضای مجازی گزارش می‌دهد:

حکمرانی دیجیتال در سایه ابهام

پیگیری‌های «شرق» برای به دست آوردن جزئیات تشکیل ستاد ساماندهی فضای مجازی نشان می‌دهد

که تمامی اعضای هیئت دولت از پاسخگویی به رسانه‌ها و خبرنگاران در این زمینه منع شده‌اند

سونیتا سرباب‌پور: در میانه ادامه قطعی و محدودیت بیش از دوماهه اینترنت، مسعود پزشکیان که بیش از دو سال است وعده دسترسی آزاد به اینترنت را می‌دهد، در طولانی‌ترین قطعی اینترنت که کشور دچار آن شده، ساختاری تازه برای «ساماندهی و راهبری فضای مجازی» در کنار ده‌ها ساختار دیگر در این زمینه ایجاد کرد؛ ستادی که قرار است به گفته رئیس‌جمهور به ریاست معاون اولش یعنی محمدرضا عارف، به «چندصدایی» و «موازی‌کاری» در حکمرانی اینترنت پایان دهد، اما از همان نخستین روزهای تشکیل، خود به یکی از مهم‌ترین و پرچاشیه‌ترین ساختارهای سیاست‌گذاری دیجیتال کشور تبدیل شده است. پیگیری‌های «شرق» نشان می‌دهد هم‌زمان با رونمایی از این ستاد، رئیس این ستاد، مانع از انتشارگفت‌وگویی برخی اعضای دولت درباره جزئیات و مأموریت‌های این ساختار شده و به مسئولان دولتی تأکید شده درباره آن با رسانه‌ها گفت‌وگو نکنند. ایجاد این سکوت، هم‌زمان با ابهام درباره اختیارات این ستاد، شائبه‌هایی درباره شکل‌گیری یک مرکز تازه قدرت در سیاست اینترنت ایران را پیرنگ‌ترده است؛ آن‌هم در شرایطی که خود رئیس‌جمهور ریاست شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی امنیت ملی را نیز برعهده دارد و به گفته کارشناسان و منتقدان به راحتی می‌تواند گره کوری را که در اینترنت ایجاد شده است، باز کند. بسیاری تشکیل این ستاد را نه نشانه حل بحران، بلکه اعترافی تازه به آشفتگی در حکمرانی فضای مجازی می‌دانند.

سؤال‌هایی که بی‌پاسخ مانده

چهارشنبه گذشته و در هفتادوپنجمین روز قطع اینترنت، مسعود پزشکیان خبر از ایجاد ستاد «ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» داد. در همین زمینه هم معاون اول خود یعنی محمدرضا عارف را با حفظ سمت، به‌عنوان رئیس این ستاد معرفی کرد. در یک جمله قرار است وظیفه این ستاد رفع تداخل وظایف، جلوگیری از موازی‌کاری‌ها و پایان بخشی به چندصدایی در مدیریت فضای مجازی کشور باشد. در حالی که از عمر تأسیس این ستاد یک هفته هم نگذشته، هنوز کسی نمی‌داند این ستاد قرار است چگونه تشکیل شود؟ اعضای آن چه کسانی هستند؟ آیا دستورات این ستاد برای همه نهاده‌ها و دستگاه‌ها قابل اجراست؟ قدرت این ستاد در تصمیم‌گیری برای فضای مجازی تا چه حد است؟ چرا باید وقتی رئیس‌جمهوری رئیس شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی امنیت ملی است، معاون خود را برای حل بحران قطع اینترنت کشور انتخاب کند؟ چه کاری را معاون اول می‌تواند انجام دهد که رئیس‌جمهور قدرت انجام آن را ندارد؟ برای پاسخ به همه این پرسش‌ها در چند روز گذشته تلاش کردیم با فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، گفت‌وگو کنیم که اتفاق این گفت‌وگو هم انجام شد، اما در نهایت گفت‌وگو اجاز پیدا نکرد. پیگیری‌های «شرق» نشان می‌دهد که به تمام اعضای هیئت دولت اعلام شده که با هیچ خبرنگار و رسانه‌ای درباره این ستاد صحبت نکنند؛ چراکه در زمان مناسب اطلاعات در مورد فعالیت این ستاد منتشر می‌شود. براساس شنیده‌های «شرق»، انتشار اخبار درباره فعالیت این ستاد تازه‌تأسیس را به صلاح ندانسته و گفته‌اند که ممکن است اعلام خبر در مورد فعالیت‌های آن، باعث جلوگیری از برخی اقدامات برای بازگشایی اینترنت شود. عباس یازوکی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر محمدرضا عارف نیز یکشنبه‌شب (۲۷ اردیبهشت در توییتهی اعلام کرد هنوز «ستاد ساماندهی و راهبری فضای مجازی» جلسه یا مصوبه‌ای نداشته و ساختار و فرایندهای کارشناسی این ستاد با دقت در حال تدوین و نهایی‌سازی است. او تأکید کرده: «تصمیمات رسمی، پس از تشکیل جلسات، به صورت شفاف از طریق سخنگوی ستاد که برزودی معرفی خواهد شد یا معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر معاون اول» اعلام می‌شود؛ لذا گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای درباره مصوبات یا اعضای آن فاقد اعتبار است.» همین توییت بار دیگر نشان می‌دهد که سیاست محمدرضا عارف همچنان بر مدار سکوت و فاصله‌گرفتن از فضای رسانه‌ای می‌چرخد؛ رویکردی که دست‌کم در دو سال گذشته بارها تکرار شده است.

اعضایی مشابه با شورای عالی فضای مجازی!

باین‌حال، پیگیری «شرق» نشان می‌دهد این ساختار جدید برای ایجاد حکمرانی در فضای مجازی بی‌شامت به برخی اعضای شورای عالی فضای مجازی نیست. طبق خبرهای موق «شرق»، اعضای «ستاد ساماندهی و راهبری فضای مجازی» را نهادهای دولتی، امنیتی و بخش خصوصی تشکیل می‌دهند. تا لحظه انتشار این گزارش، حضور این افراد در ستاد قطعی شده است:

- دادستان کل کشور
- وزارت ارشاد
- وزارت اطلاعات
- دبیر شورای عالی فضای مجازی
- دبیر شورای عالی امنیت ملی
- سه نفر عضو فعال از بخش خصوصی.

شاید همین ساختار هم باعث مخالفت برخی نمایندگان مجلس و حتی برخی اعضای حقیقی شورای عالی فضای مجازی شود. عزت‌الله ضرغامی، عضو حقیقی شورای عالی فضای مجازی، در روز انتشار خبر تشکیل این ستاد در توییتهی شفاف اعلام کرد: «حکم رئیس‌جمهور به آقای عارف، برای ستاد «وس.ور.ف.م.ک» نوعی موازی‌کاری و تداخل در وظایف شورای عالی فام است.» او در ادامه تأکید کرد: «معتقدم این ستاد، همان مشکلات شورای عالی را خواهد داشت. تحول و بازآرایی در نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی باید به صورت ریشه‌ای و با تغییر مدل حکمرانی در فضای مجازی باشد.» توییت عزت‌الله ضرغامی را می‌توان یکی از صریح‌ترین واکنش‌های درون‌ساختاری به تشکیل «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی»، دانست؛ واکنشی که همیشه فقط به انتقاد از یک ساختار تازه محدود نمی‌شود، بلکه از شسکاف و تردید حتی در میان اعضای شورای عالی فضای مجازی نسبت به مدل فعلی حکمرانی اینترنت خبر می‌دهد. ضرغامی در این توییت، عملا دو نطق هم‌زمان را مطرح می‌کند: نخست اینکه تشکیل این ستاد را «موازی‌کاری» و «تداخل در وظایف» شورای عالی فضای مجازی می‌داند. این بخش از صحبت او، به‌طور مستقیم این پرسش را پیش می‌کشد که وقتی شورای عالی فضای مجازی، مرکز ملی فضای مجازی و ده‌ها نهاد دیگر در حوزه سیاست‌گذاری اینترنت فعال هستند، ایجاد یک ستاد تازه دقیقا چه خلایی را قرار است پر کند؟ به‌ویژه آنکه رئیس‌جمهور خود ریاست شورای عالی فضای مجازی را نیز بر عهده دارد و از منظر حقوقی، بالاترین مقام این ساختار محسوب می‌شود. اما بخش مهم‌تر توییت ضرغامی، جایی است که می‌گوید این ستاد «همان مشکلات شورای عالی» را خواهد داشت. این جمله را می‌توان نوعی اعتراف غیرمستقیم به ناکارآمدی یا دست‌کم جبران در مدل فعلی تصمیم‌گیری فضای مجازی تعبیر کرد؛ مدلی که طی سال‌های گذشته با تعدد مراکز تصمیم‌گیری، تعارض نهادها، ابهام در مسئولیت‌ها و اختلاف‌نظر بر سر سیاست اینترنت شناخته شده است. از سوی دیگر، علیرضا سلیمی، عضو هیئت‌رئیس‌ه مجلس، تشکیل «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» و انتصاب محمدرضا عارف به ریاست آن را مغایر با قانون برنامه هفتم و سیاست‌های کلنی نظام دانست. او معتقد است تفویض چنین اختیاری خارج از چارچوب قانونی انجام شده است. او هم این سؤال کلیدی را مطرح کرده که «چگونه ممکن است رئیس‌جمهور که خود رئیس شورای عالی فضای مجازی است، اختیارات مربوط به شورا را به ستادی خارج از شورا واگذار کند؟».

اینترنت میان شوراها، نهادها و اتاق‌های موازی

سال ۱۳۷۱ ایران برای اولین بار به اینترنت متصل شد، آن‌هم فقط از طریق چند دانشگاه. بعد از آن دسترسی به ابزار گسترش یافت. از حدود ۳۳ سال قبل تاکنون که اینترنت به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی مردم تبدیل شده، هنوز کسی نمی‌داند متولی قطع وصلی اینترنت در ایران چه کسی یا چه کسانی هستند؟ همین چند روز پیش فرید موسوی در یادداشتی برای «شرق» نوشت که اگر امروز از افکار عمومی پرسیده شود مسئول نهایی اینترنت در کشور کدام نهاد است، پاسخ روشنی وجود ندارد؛ شورای عالی فضای مجازی، مرکز ملی فضای مجازی، وزارت ارتباطات، کارگروه تعیین مصادیق، نهادهای امنیتی، کمیسیون‌های مختلف مجلس، تنظیم‌گران بخشی انتخابی منطقی محسوب می‌شود، اما برای کسی که نقدینگی فوری نیاز دارد، شاید بازارهای دیگری امنیت بیشتری داشته باشند. آنچه صنعت خودرو به آن نیاز دارد، بیش از آنکه طرح‌های فروش نوآورانه باشد، اصلاح ساختاری سیاست‌های پولی و ارزی است که متأسفانه فراتر از توان یک خودروساز است.

در حالی که در فضای مجازی، هر چه بیشتر، هر چه بیشتر، هر چه بیشتر



چندین نهاد در حوزه ساماندهی فضای مجازی داریم؛ همان چیزی که اسمش را حکمرانی گذاشته‌اند. یکی شورای عالی فضای مجازی است که اتفاقا رئیس آن رئیس‌جمهور است و همه صاحبان قدرت، اعم از لشکری و کشوری، در آن عضویت دارند. چند نماینده مردم هم حضور دارند اما مشکل اساسی اینجاست که بخش خصوصی اساسا هیچ کرسی‌ای در آن شورا ندارد». نغناکار همچنین به موضوع احکام اعضای شورای عالی فضای مجازی اشاره کرد: «چند سال است که اعضای شورای عالی فضای مجازی تغییر نکرده‌اند. تا سال ۹۷ همین اعضای فعلی حکم داشتند و احکامشان از سوی رهبری صادر می‌شد. این احکام در یک بازه زمانی مشخص اعتبار داشت اما اکنون این سؤال در حقوق عمومی مطرح است که آیا افرادی که احکامشان منقضی شده، اصولا شایئت حضور و تصمیم‌گیری در شورا را دارند یا نه؟». به‌گفته نغناکار، «در جریان جنگ ۱۲ روزه و شرایط فعلی هم نهادی به نام شورای عالی امنیت ملی وجود دارد که می‌گویند دستور قطع‌شدن اینترنت را داده که باز هم رئیس آن رئیس‌جمهور است. حالا وقتی همین ساختار نتوانسته وضعیت را سر و سامان دهد، چه مسئله‌ای را حل می‌کند؟»، او معتقد است: «اینکه دوباره یک ستاد جدید ایجاد شود و فردی مانند آقای عارف در رأس آن قرار بگیرد، درحالی‌که باز هم زیر نظر رئیس‌جمهور فعالیت می‌کند و افرادی مانند آقامیری هم در همان ساختار حضور دارند، بیشتر نشان‌دهنده آشفتگی در حکمرانی است.» به باور او ساختار و چارچوب حکمرانی فضای مجازی اساسا درست چیده نشده است: «شما اگر ۱۰ شورا دیگر و ۱۰ کمیسیون دیگر هم کنار اینها بگذارید، باز هم مسئله حل نمی‌شود؛ چون مشکل فقط اضافه‌کردن آدم‌ها و نهادهای جدید نیست». این استاد دانشگاه با اشاره به تداخل وظایف نهادهای مختلف در حوزه فضای مجازی گفت: «این کمیسیون و شوراهایی که الان داریم نتهتا بعضا با هم تناقض دارند بلکه اختیارا نشان هم با یکدیگر خلط می‌شود و نمی‌توانند هماهنگ عمل کنند. نتیجه این وضعیت هم چیزی جز هرج‌مرج بیشتر در فضای سایبری کشور نیست.» او در پاسخ به پرسشش که را‌احل نهایی چیست، می‌گوید: «به نظرم من را‌حل همان چیزی است که قانون اساسی پیش‌بینی شده؛ یعنی مجلس. ما نهادی به نام مجلس داریم که می‌تواند کمیسیون‌های تخصصی مختلف تشکیل دهد؛ از جمله کمیسیون فضای سایبری. در آنجا است که بخش خصوصی می‌تواند حضور داشته باشد و نظراتش را ارائه کند». نغناکار ادامه داد: «ما نیازمند قانون‌گذاری در این حوزه هستیم تا به حکمرانی فضای مجازی ساختار بدهیم. الان حکمرانی سایبری در ایران اساسا ساختار و چارچوب مشخصی ندارد و این چارچوب هم حتما باید قانونی باشد. از منظر حقوق عمومی، قانون باید در مجلس تصویب شود. هیچ شورای عالی‌ای نمی‌تواند قانون تصویب کند.»

تجربه تکراری ساختارهای تازه

محمد کشوری، کارشناس فناوری و مدیر اندیشکده طیف، در گفت‌وگو با «شرق» تشکیل «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» را در امتداد همان الگوی تکرار‌شونده‌ای می‌داند که طی سال‌های گذشته بارها در ساختار حکمرانی ایران دیده شده؛ الگویی که در آن، هر زمان سازوکارهای موجود از حل یک بحران ناتوان می‌مانند، به‌جای اصلاح ساختارهای قبلی، یک شورا، کمیسیون یا ستاد تازه متولد می‌شود.

او می‌گوید تجربه این مدل تصمیم‌گیری معمولا نتیجه متفاوتی نداشته است؛ چراکه ساختارهای جدید نتهتا مسئله قبلی را حل نمی‌کند، بلکه در بسیاری موارد خود به لایه تازه‌ای از پیچیدگی و تعارض تبدیل می‌شود. به‌گفته کشوری، در ایران معمولا وقتی ساختارهای موجود نمی‌توانند یک مسئله را بیش برنند، به‌جای ریشه‌یابی ناکارآمدی‌ها، تلاش می‌شود همان بحران از مسیر یک نهاد جدید مدیریت شود؛ درحالی‌که تجربه نشان داده این راهکار اغلب به نتیجه نمی‌رسد. کشوری معتقد است فلسفه شکل‌گیری چنین ستادهایی معمولا از دل هماهنگی‌های قبلی بیرون می‌آید. به این معنا که وقتی میان نهادهای موجود اختلاف تعارض یا ناتوانی در تصمیم‌گیری وجود دارد، ساختاری تازه با عنوان «هماهنگ‌کننده» ایجاد می‌شود. اما مشکل دقیقا از همین‌جا آغاز می‌شود؛ چراکه آن ساختار جدید هم در نهایت وارد همان چرخه‌ای می‌شود که نهادهای قبلی در آن گرفتار بوده‌اند. از نگاه او، بخشی از مسئله به این برنمی‌گردد که در بسیاری مواقع حتی مسئولان ارشد یا تمایل جدی به تصمیم‌گیری ندارند یا اقتدار و قدرت قانونی کافی برای حل مسئله در اختیارشان نیست. به همین دلیل، ستاد جدید هم به‌جای بازکردن گره‌های قبلی، خود به «گرهی روی گره قبلی» تبدیل می‌شود؛ تعبیری که به‌خوبی وضعیت امروز حکمرانی فضای مجازی را توضیح می‌دهد؛ جایی که تعدد نهاده‌ها نتهتا به انسجام منجر نشده بلکه مرز مسئولیت‌ها را مبهم‌تر کرده است.

وقتی رئیس‌جمهور خودش همه‌کار است

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که حالا مطرح می‌شود، درباره ضرورت ایجاد چنین ستادی است. کشوری یادآوری می‌کند که رئیس‌جمهور هم‌زمان رئیس شورای عالی فضای مجازی، رئیس مرکز ملی فضای مجازی و رئیس شورای عالی امنیت ملی است. به همین دلیل این سؤال به‌صورت طبیعی مطرح می‌شود که اگر قرار بوده ساختار جدید در حوزه اینترنت و فضای مجازی حل شود، آیا همین ساختارهای موجود کفایت نمی‌کرد؟ البته کشوری هم‌زمان به یک واقعیت مهم در ساختار قدرت ایران اشاره می‌کند؛ اینکه حتی رئیس‌جمهور و دولت نیز در این حوزه «فعال مایشان» نیستند و تصمیم‌گیری در موضوع اینترنت صرفا در اختیار قوه مجریه قرار ندارد. با این حال او معتقد است ایجاد یک ساختار تازه هم لزوما این وضعیت را تغییر نمی‌دهد و نمی‌تواند معادلات پیچیده قدرت در حکمرانی فضای مجازی را دگرگون کند.

هزینه‌سیاسی اینترنت

کشوری در بخش دیگری از تحلیل خود، به موضوع اختیارات رئیس‌جمهور در مجاری محدودیت‌های اینترنتی می‌پردازد؛ مسئله‌ای که این روزها بارها در فضای عمومی مطرح شده است. او معتقد است رئیس‌جمهور از نظر جایگاه حقوقی و سیاسی، به‌عنوان مقام دوم کشور، احتمالا امکان مداخله یا صدور دستور در برخی موضوعات خاص مانند بازگشایی اینترنت را دارد. اما در عمل چنین تصمیمی بدون هزینه نیست، به گفته او، تصمیم‌گیری درباره اینترنت صرفا یک مسئله فنی یا اجرایی نیست، بلکه مجموعه‌ای از ملاحظات سیاسی، امنیتی و پشت‌برده در آن دخیل است؛ ملاحظاتی که بخش زیادی از آن هرگز وارد فضای عمومی نمی‌شود. کشوری تأکید می‌کند همین پیچیدگی‌ها باعث می‌شود این تصور ساده‌انگارانه که «رئیس‌جمهور اختیار دارد، پس می‌تواند فورا دستور رفع محدودیت‌ها را بدهد» در عمل چندان واقعی نباشد. او حتی این احتمال را مطرح می‌کند که چ‌بسا خود رئیس‌جمهور نیز در برخی موارد، تحت تأثیر گزارش‌ها یا تحلیل کارشناسانی باشد که ادامه محدودیت‌ها را ضروری می‌دانند. به‌همین‌دلیل از نگاه کشوری، سیاست‌گذاری اینترنت بیش از آنکه تابع یک دستور مستقیم باشد، محصول موازنه‌ای پیچیده میان نهادها، ملاحظات و هزینه‌های سیاسی است.

متن کامل گزارش را در وب‌سایت «شرق» بخوانید.

شرق

در حالی که در فضای مجازی، هر چه بیشتر، هر چه بیشتر، هر چه بیشتر



چندین نهاد در حوزه ساماندهی فضای مجازی داریم؛ همان چیزی که اسمش را حکمرانی گذاشته‌اند. یکی شورای عالی فضای مجازی است که اتفاقا رئیس آن رئیس‌جمهور است و همه صاحبان قدرت، اعم از لشکری و کشوری، در آن عضویت دارند. چند نماینده مردم هم حضور دارند اما مشکل اساسی اینجاست که بخش خصوصی اساسا هیچ کرسی‌ای در آن شورا ندارد». نغناکار همچنین به موضوع احکام اعضای شورای عالی فضای مجازی اشاره کرد: «چند سال است که اعضای شورای عالی فضای مجازی تغییر نکرده‌اند. تا سال ۹۷ همین اعضای فعلی حکم داشتند و احکامشان از سوی رهبری صادر می‌شد. این احکام در یک بازه زمانی مشخص اعتبار داشت اما اکنون این سؤال در حقوق عمومی مطرح است که آیا افرادی که احکامشان منقضی شده، اصولا شایئت حضور و تصمیم‌گیری در شورا را دارند یا نه؟». به‌گفته نغناکار، «در جریان جنگ ۱۲ روزه و شرایط فعلی هم نهادی به نام شورای عالی امنیت ملی وجود دارد که می‌گویند دستور قطع‌شدن اینترنت را داده که باز هم رئیس آن رئیس‌جمهور است. حالا وقتی همین ساختار نتوانسته وضعیت را سر و سامان دهد، چه مسئله‌ای را حل می‌کند؟»، او معتقد است: «اینکه دوباره یک ستاد جدید ایجاد شود و فردی مانند آقای عارف در رأس آن قرار بگیرد، درحالی‌که باز هم زیر نظر رئیس‌جمهور فعالیت می‌کند و افرادی مانند آقامیری هم در همان ساختار حضور دارند، بیشتر نشان‌دهنده آشفتگی در حکمرانی است.» به باور او ساختار و چارچوب حکمرانی فضای مجازی اساسا درست چیده نشده است: «شما اگر ۱۰ شورا دیگر و ۱۰ کمیسیون دیگر هم کنار اینها بگذارید، باز هم مسئله حل نمی‌شود؛ چون مشکل فقط اضافه‌کردن آدم‌ها و نهادهای جدید نیست». این استاد دانشگاه با اشاره به تداخل وظایف نهادهای مختلف در حوزه فضای مجازی گفت: «این کمیسیون و شوراهایی که الان داریم نتهتا بعضا با هم تناقض دارند بلکه اختیارا نشان هم با یکدیگر خلط می‌شود و نمی‌توانند هماهنگ عمل کنند. نتیجه این وضعیت هم چیزی جز هرج‌مرج بیشتر در فضای سایبری کشور نیست.» او در پاسخ به پرسشش که را‌احل نهایی چیست، می‌گوید: «به نظرم من را‌حل همان چیزی است که قانون اساسی پیش‌بینی شده؛ یعنی مجلس. ما نهادی به نام مجلس داریم که می‌تواند کمیسیون‌های تخصصی مختلف تشکیل دهد؛ از جمله کمیسیون فضای سایبری. در آنجا است که بخش خصوصی می‌تواند حضور داشته باشد و نظراتش را ارائه کند». نغناکار ادامه داد: «ما نیازمند قانون‌گذاری در این حوزه هستیم تا به حکمرانی فضای مجازی ساختار بدهیم. الان حکمرانی سایبری در ایران اساسا ساختار و چارچوب مشخصی ندارد و این چارچوب هم حتما باید قانونی باشد. از منظر حقوق عمومی، قانون باید در مجلس تصویب شود. هیچ شورای عالی‌ای نمی‌تواند قانون تصویب کند.»

تجربه تکراری ساختارهای تازه

محمد کشوری، کارشناس فناوری و مدیر اندیشکده طیف، در گفت‌وگو با «شرق» تشکیل «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» را در امتداد همان الگوی تکرار‌شونده‌ای می‌داند که طی سال‌های گذشته بارها در ساختار حکمرانی ایران دیده شده؛ الگویی که در آن، هر زمان سازوکارهای موجود از حل یک بحران ناتوان می‌مانند، به‌جای اصلاح ساختارهای قبلی، یک شورا، کمیسیون یا ستاد تازه متولد می‌شود.

او می‌گوید تجربه این مدل تصمیم‌گیری معمولا نتیجه متفاوتی نداشته است؛ چراکه ساختارهای جدید نتهتا مسئله قبلی را حل نمی‌کند، بلکه در بسیاری موارد خود به لایه تازه‌ای از پیچیدگی و تعارض تبدیل می‌شود. به‌گفته کشوری، در ایران معمولا وقتی ساختارهای موجود نمی‌توانند یک مسئله را بیش برنند، به‌جای ریشه‌یابی ناکارآمدی‌ها، تلاش می‌شود همان بحران از مسیر یک نهاد جدید مدیریت شود؛ درحالی‌که تجربه نشان داده این راهکار اغلب به نتیجه نمی‌رسد. کشوری معتقد است فلسفه شکل‌گیری چنین ستادهایی معمولا از دل هماهنگی‌های قبلی بیرون می‌آید. به این معنا که وقتی میان نهادهای موجود اختلاف تعارض یا ناتوانی در تصمیم‌گیری وجود دارد، ساختاری تازه با عنوان «هماهنگ‌کننده» ایجاد می‌شود. اما مشکل دقیقا از همین‌جا آغاز می‌شود؛ چراکه آن ساختار جدید هم در نهایت وارد همان چرخه‌ای می‌شود که نهادهای قبلی در آن گرفتار بوده‌اند. از نگاه او، بخشی از مسئله به این برنمی‌گردد که در بسیاری مواقع حتی مسئولان ارشد یا تمایل جدی به تصمیم‌گیری ندارند یا اقتدار و قدرت قانونی کافی برای حل مسئله در اختیارشان نیست. به همین دلیل، ستاد جدید هم به‌جای بازکردن گره‌های قبلی، خود به «گرهی روی گره قبلی» تبدیل می‌شود؛ تعبیری که به‌خوبی وضعیت امروز حکمرانی فضای مجازی را توضیح می‌دهد؛ جایی که تعدد نهاده‌ها نتهتا به انسجام منجر نشده بلکه مرز مسئولیت‌ها را مبهم‌تر کرده است.

وقتی رئیس‌جمهور خودش همه‌کار است

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که حالا مطرح می‌شود، درباره ضرورت ایجاد چنین ستادی است. کشوری یادآوری می‌کند که رئیس‌جمهور هم‌زمان رئیس شورای عالی فضای مجازی، رئیس مرکز ملی فضای مجازی و رئیس شورای عالی امنیت ملی است. به همین دلیل این سؤال به‌صورت طبیعی مطرح می‌شود که اگر قرار بوده ساختار جدید در حوزه اینترنت و فضای مجازی حل شود، آیا همین ساختارهای موجود کفایت نمی‌کرد؟ البته کشوری هم‌زمان به یک واقعیت مهم در ساختار قدرت ایران اشاره می‌کند؛ اینکه حتی رئیس‌جمهور و دولت نیز در این حوزه «فعال مایشان» نیستند و تصمیم‌گیری در موضوع اینترنت صرفا در اختیار قوه مجریه قرار ندارد. با این حال او معتقد است ایجاد یک ساختار تازه هم لزوما این وضعیت را تغییر نمی‌دهد و نمی‌تواند معادلات پیچیده قدرت در حکمرانی فضای مجازی را دگرگون کند.

هزینه‌سیاسی اینترنت

کشوری در بخش دیگری از تحلیل خود، به موضوع اختیارات رئیس‌جمهور در مجاری محدودیت‌های اینترنتی می‌پردازد؛ مسئله‌ای که این روزها بارها در فضای عمومی مطرح شده است. او معتقد است رئیس‌جمهور از نظر جایگاه حقوقی و سیاسی، به‌عنوان مقام دوم کشور، احتمالا امکان مداخله یا صدور دستور در برخی موضوعات خاص مانند بازگشایی اینترنت را دارد. اما در عمل چنین تصمیمی بدون هزینه نیست، به گفته او، تصمیم‌گیری درباره اینترنت صرفا یک مسئله فنی یا اجرایی نیست، بلکه مجموعه‌ای از ملاحظات سیاسی، امنیتی و پشت‌برده در آن دخیل است؛ ملاحظاتی که بخش زیادی از آن هرگز وارد فضای عمومی نمی‌شود. کشوری تأکید می‌کند همین پیچیدگی‌ها باعث می‌شود این تصور ساده‌انگارانه که «رئیس‌جمهور اختیار دارد، پس می‌تواند فورا دستور رفع محدودیت‌ها را بدهد» در عمل چندان واقعی نباشد. او حتی این احتمال را مطرح می‌کند که چ‌بسا خود رئیس‌جمهور نیز در برخی موارد، تحت تأثیر گزارش‌ها یا تحلیل کارشناسانی باشد که ادامه محدودیت‌ها را ضروری می‌دانند. به‌همین‌دلیل از نگاه کشوری، سیاست‌گذاری اینترنت بیش از آنکه تابع یک دستور مستقیم باشد، محصول موازنه‌ای پیچیده میان نهادها، ملاحظات و هزینه‌های سیاسی است.

متن کامل گزارش را در وب‌سایت «شرق» بخوانید.